

شاعران مطرحی
 که در جلسات این
 انجمن فعالانه شرکت
 می کردند، می توانم
 از این اساتید نام
 ببرم: استاد مهرداد
 اوستا، استاد عباس
 کی منش (مشفق
 کاشانی)، استاد دکتر
 خطیب رهبر، دکتر
 ابوالقاسم حالت استاد

اشاره:

هفتاد و پنج سالگی را پشت سر گذاشته و از پنجاه سال پیش که از همدان به تهران مهاجرت کرده، هفته ای هفت روز را مشتری پر و پا قرص و فعال انجمن های ادبی بوده است و هنوز هم در بسیاری از مجامع و محافل ادبی حضوری چشمگیر دارد.

احمد نیک طلب متخلص به «یاور همدانی» اگرچه گذر از میانسالی و ورود به سال های کهنسالی، آثارش را در چهره او به جلوه رسانده است، اما هنوز به اصطلاح درست حسابی سر پاست و نشاطی زایدالوصف چاشنی تمامی حرکات و سکنات اوست. آنچه در ادامه می خوانید، یادداشتی است مستخرج از یک گفت و گو با ایشان در باب فعالیت انجمن های ادبی تهران در دهه های سی تا پنجاه، که خود شخصا در آنها شرکت داشته است.

شعر برای رشد و شکوفایی، باید با مخاطب در ارتباطی مستمر باشد و راه های مختلفی وجود دارد برای ارتباط شاعر با مخاطب؛ مثل چاپ شعر در مطبوعات و یا انتشار آن در قالب کتاب و یا ارائه شعر در شب شعرها و یا جشنواره ها و کنگره های شعر. اما همه این موارد مقطعی هستند و نیازمند مقدماتی که موجب می شود آن جریان، ارتباط مستمر و متقابل با مخاطب دچار اخلال و تاخیر شود، تنها شیوه عملی و موثری که باقی می ماند و گذشتگان ما هم در طول تاریخ خوب از آن بهره گرفته اند، همین برگزاری هفتگی انجمن های ادبی است که هر هفته، شاعران ضمن اینکه تازه ترین سروده های خود را می خوانند، هم از نقد و نظر سایر شاعران و منتقدین در ارتباط با اثرشان بهره مند می شوند و هم در جریان مسایل ادبی و موضوعات و دغدغه های قابل طرح در شعر قرار می گیرند.

انجمن ادبی ایران

من با انجمن های زیادی در پنجاه سال گذشته در تهران ارتباط داشته ام که احتمالاً در ادامه از آنها نام خواهم برد و پیرامون آنها صحبت خواهم کرد، اما اگر قرار باشد یکی از آنها را بعنوان انجمنی نمونه و تاثیر گذار و موفق نام ببرم، «انجمن ادبی ایران» است. سابقه این انجمن به سال های قبل از ۱۳۲۰ بر می گردد که اوایل توسط شازده افسر، اداره و کارگردانی می شده و بعدها استاد وحید دستگردی آن را اداره می کرده اند. من از وقتی با این انجمن آشنا شدم و در جلسات آن شرکت می کردم که اداره آن را استاد ناصح به عهده داشتند، از شاعران مطرحی که در جلسات این انجمن فعالانه شرکت می کردند، می توانم از این اساتید نام ببرم: استاد مهرداد اوستا، استاد عباس کی منش (مشفق کاشانی)، استاد دکتر خطیب رهبر، استاد ابوالقاسم حالت و آقای پارسای تویسرکانی.

وقتی من با این انجمن آشنا شدم، مسئولیت آن با استاد ناصح بود و دبیری جلسه را هم سرهنگ نجاتی عهده دار بود و جلسه شب های چهارشنبه در منزل ایشان تشکیل می شد. بعد از استاد ناصح، مدتی استاد خطیب رهبر، مسئولیت انجمن را داشت تا اینکه به دلیل بیماری، مسئولیت انجمن را به

انجمن های ادبی تهران قدیم

استاد یاور همدانی



شماره ۶۷
 پاییز ۱۳۸۸

استاد وحید دستگردی سپرد استاد وحید آخرین مسئول انجمن ادبی ایران بود و با تعطیل شدن انجمن ادبی ایران، استاد وحید انجمن دیگری را در منزلش راهاندازی کرد با عنوان «انجمن ادبی حکیم نظامی» که بعدها پسر بزرگ استاد وحید دستگردی که «تسیم» تخلص می‌کرد مسئولیت آن را عهده‌دار شد.

انجمن ادبی صائب

فعالیت اکثر قریب به اتفاق انجمن‌های ادبی، محدود می‌شد به برگزاری همین جلسات هفتگی که یا در محلی ثابت که بیشتر منزل مسئول انجمن و یا دفتر نشریه‌ای بود تشکیل می‌شد و برخی انجمن‌ها هم چرخشی بود و هر هفته در منزل یکی از اعضا برگزار می‌شد از نظر فعالیت‌های جنبی، تنها یکی از انجمن‌های ادبی بود که فعلیت متنوع تری داشت و آن هم «انجمن ادبی صائب» بود که مسئولیت آن با خلیل سامانی بود که «موج» تخلص می‌کرد. البته همسر ایشان هم در تدارک و پیگیری‌های مربوط به انجمن نقش زیادی داشت، که خودش هم از شاعران خوب آن سال‌ها بود؛ یعنی شادروان ریاب تمدن.

یکی از فعالیت‌های این انجمن، علاوه بر برگزاری جلسات هفتگی، انتشار ماهانه آثار شاعران عضو انجمن بود که در دفتری با عنوان «باغ صائب» منتشر می‌شد و انتشار آن تا مدت بیست و پنج سال بصورت ماهانه ادامه داشت. یادم هست که این مصراع شعر هم روی جلد این ماهنامه طراحی شده بود: «این ما و من نتیجه بیگانگی بود».

از دیگر فعالیت‌های این انجمن، انتشار کتاب‌هایی سالانه بود که در آن اشعاری را که در طول سال به استقبال و اقتراح گذاشته بودند، چاپ می‌شد.

انجمن ادبی توفیق

تقریباً سایر انجمن‌ها کارشان برگزاری همان جلسات هفتگی شعر بود و شاید تنها ویژگی که یکی دیگر از این انجمن‌ها را از بقیه متمایز می‌کرد، مربوط به «انجمن ادبی توفیق» بود که در آن بیشتر شاعران به اصطلاح آن روزگار «فکاهه‌سرا» شرکت می‌کردند، این انجمن سه‌شنبه‌ها برگزار می‌شد و مسئول آن هم، آقای حسن توفیق بود که مسئولیت نشریه توفیق را هم داشت. محل تشکیل جلسات این انجمن هم منزل آقای حسن توفیق بود از شاعرانی هم که فعال‌تر در جلسات انجمن شرکت می‌کردند، می‌شود از آقایان ابوتراب جلی، عباس فرات و تفکری که «پرچانه» تخلص می‌کرد نام برد.

انجمن‌های دیگر

جز این‌ها، اگر بخواهم به ترتیب روزهای هفته که انجمن‌ها تشکیل می‌شد، برخی را نام ببرم، باید از انجمن ادبی «سعد» شروع کنم که شب‌های شنبه در منزل مسئول انجمن تشکیل می‌شد که آن منزل معروف بود به «کلبه سعد». مسئول این انجمن، خانم نوش‌آفرین سعد بود.

شب‌های یکشنبه «انجمن ادبی ایران و پاکستان» در محل سفارت پاکستان برگزار می‌شد که بیشتر این جلسه تشکیل و فعالیت خود را مرهون علاقه‌مندی رایزن فرهنگی پاکستان در ایران یعنی آقای خواجه عبدالحمید عرفانی بود که خود ایشان هم اهل ذوق و ادبیات بود. البته مسئولیت و اداره و هدایت جلسات انجمن با شاعر شهیر آن ایام، آقای صادق سرمد بود.

شب‌های دوشنبه، انجمن ادبی «خندنگ» برگزار می‌شد که به نام نشریه خندنگ بود و محل برگزاری آن هم دفتر نشریه خندنگ بود که در منطقه امیریه واقع بود.

شب‌های سه‌شنبه، «انجمن ادبی سخن سنج فردوسی» که با مسئولیت و پشتکار آقای توفانیان در منزل ایشان هر هفته برگزار می‌شد.

شب‌های پنج‌شنبه، «انجمن ادبی آذرآبادگان» که به همت آقای محمد دیهیم در منزل ایشان برگزار می‌شد آقای محمد دیهیم نماینده مجلس شورای ملی آن روزگار، از استان آذربایجان بود و مناسبت و مسمای نام انجمن ادبی ایشان هم همین نسبت بود.

شب‌های جمعه، انجمن ادبی دانشوران، به مسئولیت و پشتکار آقای عادل خلعتیری، در منزل ایشان برگزار می‌شد.

در پایان ذکر می‌خواهم داشته باشم از یکی دیگر از انجمن‌های ادبی خوب و پر رونق و تاثیر گذار، یعنی «انجمن ادبی حافظ» که مسئولیت آن با آقای ذبیح‌الله ملک‌پور بود و جلسات آن هر هفته در منزل ایشان برگزار می‌شد. این تنها انجمن ادبی بود که من علاوه بر شرکت در آن، مسئولیتی هم داشتم. دبیری این انجمن ادبی را آقای ملک‌پور به بنده سپرده بودند.

فعالیت اکثر قریب به اتفاق انجمن‌های ادبی محدود می‌شد به برگزاری همین جلسات هفتگی که یا در محلی ثابت که بیشتر منزل مسئول نشریه‌ای بود یا دفتر نشریه‌ای بود تشکیل می‌شد و برخی چرخشی بود و هر هفته در منزل یکی از اعضا برگزار می‌شد.



شماره ۶۷
بایز ۱۳۸۸